



معرفی و مطالعه تطبیقی کاشی‌های کوباچه حمام وزیر در شهر اصفهان*

جمیله منصوری جزآبادی** سید هاشم حسینی*** میترا شاطری****

چکیده

۲۵ عدد کاشی منقوش زیرلعابی در حمام وزیر شهر اصفهان وجود دارد که هنوز مورد مطالعه و شناسایی قرار نگرفته‌اند. این کاشی‌ها، از معدود نمونه‌های کاشی کوباچه باقی‌مانده در محل اولیه نصب خود هستند که از تاراج مصون مانده‌اند. شناسایی و معرفی کاشی‌های حمام وزیر، در شناخت سفالینه‌های کوباچه دارای اهمیت بسیار است؛ چرا که اثبات ماهیت کوباچه‌بودن کاشی‌های حمام وزیر در ارزیابی مجدد منطقه اصفهان به‌عنوان یکی از مراکز تولیدی سفالینه‌های کوباچه مؤثر خواهد بود. معرفی کاشی‌های کوباچه حمام وزیر، مطالعه نقوش و مضامین آنها از طریق مقایسه تطبیقی و بررسی احتمال تولید آنها در اصفهان، از عمده اهداف این پژوهش است. اطلاعات موردنیاز در این پژوهش، از طریق روش میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای فراهم شده و روش پژوهش نیز با توجه به موضوع، تاریخی-تطبیقی در نظر گرفته شده است. از آنجایی که نقوش به‌کار رفته بر روی کاشی‌های کوباچه بسیار متنوع و متفاوت است، به‌ندرت می‌توان چند کاشی مشابه در موزه‌ها یافت. بنابراین لازم است به همه نقوش مانند نقوش گیاهی، پرندگان، نقوش انسانی و حاشیه‌های تزئینی توجه نمود و از برآیند این مطالعات، به ویژگی‌های کلی سفالینه‌های کوباچه دست یافت. بدنه گل سنگی کاشی‌ها، شیوه نقاشی زیر لعابی آنها، هم‌چنین مطابقت در معیارهای تطبیقی نظیر شباهت در پوشش و چهره نقوش انسانی، مضامین، ترکیب‌بندی فضاها و اشتراک در برخی نقوش و حتی شیوه رنگ‌آمیزی آنها نیز، هیچ شبه‌ای در کوباچه‌بودن کاشی‌های حمام وزیر باقی نمی‌گذارد. مطالعه سفالینه‌های کوباچه و کاشی‌های یافت‌شده در حمام وزیر، بیانگر نقش مهم منطقه اصفهان در تولید این سفالینه‌ها هستند. پیگیری مسیر مهاجرت هنرمندان، تأثیر مکتب نگارگری اصفهان و مضامین ترسیم‌شده بر سفالینه‌های کوباچه، مطالعات سبک هنری و مطالعات فنی نظیر پتروگرافی، نشان‌دهنده میزان اهمیت منطقه اصفهان در تولید سفالینه‌های کوباچه به‌ویژه نوع رنگارنگ است.

کلیدواژه‌ها: صفویه، کاشی‌های کوباچه، اصفهان، حمام وزیر، نقوش.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمیله منصوری جزآبادی با عنوان «بررسی و مطالعه تکنیک ساخت و تزئین کاشی‌کاری در حمام‌های تاریخی شهر اصفهان از آغاز عصر صفویه تا اواخر دوره قاجار» به‌راهنمایی دکتر سید هاشم حسینی در دانشگاه هنر اصفهان است. ** کارشناس ارشد رشته باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول). *** دانشیار، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان. **** استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد.

مقدمه

نقوش و مضامین سفالینه‌های موسوم به کوباجه معرفی شده در مجموعه‌ها و موزه‌ها وجود دارد؟ و یا با مطالعه کاشی‌های کوباجه حمام وزیر، چه شواهدی مبنی بر تولید سفالینه و یا کاشی کوباجه در منطقه اصفهان می‌توان ارائه نمود؟ در همین خصوص، پس از معرفی کاشی‌های کوباجه موجود در بنای حمام وزیر و بررسی ویژگی آنها از طریق مطالعه تطبیقی، به بررسی برخی شواهد موجود در خصوص ساخت سفال کوباجه در منطقه اصفهان پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

در خلال تألیفاتی که در خصوص سفال اسلامی به‌نگارش درآمده، مباحث مربوط به سفالینه‌های کوباجه نیز به‌صورت کلی ارائه شده است. این مباحث معمولاً با تکرار مطالب یکسان و توصیف چند نمونه و تصویر خاتمه می‌یابد. «سفالگری اسلامی متأخر» تألیف آرتور لین (1971)، «کاشی‌های اسلامی» نوشته ونیتا پورتر (۱۳۸۱)، دو کتاب واتسون به‌نام‌های «سفال‌ها، هنر اسلامی در مجموعه کی‌یر لندن» (1988) و «سفال‌های اسلامی» (2004) از جمله این تألیفات هستند. بر پایه این منابع، سفال کوباجه، نوعی سفال منقوش زیرلعابی است که اولین بار در قصبه کوباجه در قفقاز به‌دست آمد. این سفال دارای بدنه متخلخل و ترکیب سفید بسیار ریز و نرم و با تنوع نقوش فراوان است که اغلب در دو گروه متقدم و متأخر مطالعه می‌شود. در کتاب «سیری در هنر ایران» جلد چهارم نوشته آرتور پوپ و اکرم (۱۳۸۷) و در مقالات «سفال‌های موسوم به کوباجه از ایران» نوشته آرتور لین (1939) و «فن سفالینه‌های کوباجه» نگارش لیزا گلمبک (1999)، به جنبه‌های فنی این سفال و طبقه‌بندی و نقوش رایج آن اشاره شده است. فیروز مهجور در رساله خود با عنوان «بررسی سفالینه منقوش‌گونه کوباجه» (۱۳۸۷) و مقاله «ایران، خاستگاه سفالینه‌گونه موسوم به کوباجه» (۱۳۸۸)، برآیند جامعی از مطالعات این منابع ارائه داده است. کوباجه نوع متقدم از نیمه دوم قرن ۹ ه.ق. تا قرن ۱۰ ه.ق. در شهرهایی مانند نیشابور، مشهد، تبریز و شبستر تولید می‌شده است. در این سفال‌ها که دارای نقوشی به‌رنگ سیاه در زیر لعاب فیروزه‌ای (موسوم به قلم سیاه) و لعاب آبی مایل به سبز و سبز مایل به زرد (موسوم به قلم سبز) می‌باشند، از به‌کار بردن اشکال انسانی، پرهیز و در عوض از نقش‌مایه‌های گیاهی مانند گل و بوته، اسلیمی، ترنج و پیچک‌های به‌شیوه ایرانی استفاده شده است. نوع متأخر یا رنگارنگ، در سده‌های ۱۰ و ۱۱ ه.ق. تولید شده و مزین به نقوشی به‌رنگ‌های اخراپی، سبز، زرد، فیروزه‌ای، لاجوردی و سیاه بر زمینه سفید در زیر لعاب شفاف است

سفالینه کوباجه^۱، گونه‌ای از سفالینه‌های منقوش زیرلعابی است که به‌دلیل نفیس بودن، شیوه منحصر به فرد در طراحی، رنگ‌آمیزی، نقوش و ابهام در محل تولید، همواره مورد توجه هنردوستان قرار داشته است. این سفالینه به دو شکل ظرف و کاشی، تولید، مصرف و صادر می‌شده و امروزه نیز توسط تجار و مجموعه‌داران در سراسر جهان پراکنده شده است. برخی محققان بر ساخت این سفالینه در نواحی شمال غربی ایران به‌ویژه در اوایل عصر صفوی اتفاق نظر دارند، اما با توجه به رشد و پیشرفت اصفهان در جریان انتقال پایتخت صفویان و مطرح شدن آن به‌عنوان مرکزی جدید برای سفالگران عصر صفوی، دیگر محققان احتمال ساخت سفالینه کوباجه در شهرهایی نظیر اصفهان را نیز مطرح کرده و نظریاتی در خصوص آن بیان کرده‌اند.

در بخش گرم‌خانه حمام وزیر، ۲۵ عدد کاشی زیرلعابی با نقوش منحصر به فرد بر آزاره طاقچه‌های تعبیه‌شده در داخل دیوار قرار گرفته‌اند. آثار به‌جای مانده نشان می‌دهد حدود ۱۱۲ عدد کاشی در این قسمت نصب بوده است که در حال حاضر تنها بقایای ۲۵ عدد از آنها باقی مانده است. این کاشی‌ها نیز دچار آسیب‌های فراوان شده، لعاب آنها ترک خورده و حتی بخشی از نقوش و لعاب آنها از بین رفته است. این کاشی‌ها که پس از مرمت، در محل اولیه نصب خود تثبیت شده‌اند، تا کنون مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته و ناشناخته باقی مانده‌اند، در حالی که اغلب کاشی‌های کوباجه موجود در موزه‌ها و محوطه‌ها، خارج از محل اولیه نصب خود و به‌شکل منقول به‌دست آمده‌اند. سفالینه‌های کوباجه اغلب بر اساس حدس و گمان به مکان خاصی نسبت داده شده و با به‌طور کلی به ایران منتسب شده‌اند و این مسأله سبب شده شناسایی نقوش منحصر به هر مرکز تولیدی، دشوار باشد. مطالعه کاشی‌های حمام وزیر، به‌عنوان کاشی‌های کوباجه متعلق به منطقه اصفهان، می‌تواند تا حدودی به روشن شدن برخی ویژگی‌های سفالینه‌های کوباجه تولیدشده در منطقه اصفهان کمک نماید. هدف این پژوهش، معرفی کاشی‌های حمام وزیر، مطالعه نقوش آنها و بررسی احتمال تولید آنها در منطقه اصفهان است. هم‌چنین در جریان مقایسه تطبیقی این کاشی‌ها با سایر سفالینه‌های کوباجه، برخی ویژگی‌های نقوش این نوع سفالینه و میزان تشابه آنها با یکدیگر ارائه شده است. در همین راستا، پژوهش حاضر سعی در پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها دارد: ویژگی‌های نقوش و مضامین کاشی‌های کوباجه حمام وزیر چیست و چه وجوه اشتراکی میان آنها با

و از لحاظ رنگ و نقش، از سفال‌های نقاشی روی لعاب در سده‌های ۶ و ۷ ه.ق. تأثیر پذیرفته است (مهجور، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۴). سفالینه‌های کوباچه متأخر، عموماً در دو گروه ظروف و کاشی تولید شده‌اند. این دو گروه از نظر شیوه‌های تکنیکی، مثل لعاب و بدنه خمیر سنگی یکسان هستند و تنها از نظر شیوه کاربرد، با یکدیگر متفاوت هستند. نکته قابل توجه آن که بعضی از بشقاب‌های یافت‌شده در روستای کوباچه به‌عنوان وسیله تزئینی بر روی دیوار خانه‌ها نصب شده بودند. از سایر مطالعات صورت‌گرفته بر سفالینه کوباچه می‌توان به دو مقاله دیگر اشاره کرد؛ یک (۱۹۸۰) در مقاله «یک بشقاب کوباچه»، در خصوص تصویر یک پرند با سر انسان (هارپی) سخن گفته که بیانگر یافت‌شدن نمونه‌های مسأله‌برانگیز در نقوش سفالینه‌های کوباچه است که لزوم مطالعات عمیق‌تر درباره سفالینه کوباچه را نشان می‌دهد. ابراهیمی‌نژاد و همکارانش (۱۳۹۶) در مقاله «مطالعه تطبیقی سفال کوباچه ایران (صفویه) و سفال ایزنیک ترکیه (عثمانی)»، به ارتباط و تأثیرگذاری سفالینه‌های کوباچه بر سفالینه‌های ایزنیک پرداخته‌اند.^۱

مطالعات متعدد موجود، بر ماهیت ایرانی این سفالینه تأکید کرده‌اند. نخستین مطالعات که توسط لین (۱۹۷۱) و فیهرواری (۱۹۷۳) ارائه شد، تبریز را به‌عنوان مرکز اصلی تولید این نوع سفالینه مطرح کرد؛ چرا که در قرن ۱۰ ه.ق. تبریز، نزدیک‌ترین مرکز شهری بزرگ به کوباچه بوده است. اما مطالعات بعدی که توسط پوپ، مهجور، میسن و گلمبک انجام گرفت، به مطرح‌شدن چند شهر دیگر مانند نیشابور، مشهد و اصفهان به‌عنوان محل تولید منتهی شد. پوپ و اکرم‌ن (۱۳۸۷) با اشاره به یافت‌شدن سفالینه‌های مشابه و مراکز فعال سفالگری در منطقه ساوه و قمشه، باعث جلب توجه محققان به منطقه اصفهان گردید. مهجور در رساله‌اش (۱۳۸۷)، به اثبات ماهیت ایرانی و بررسی مسیر انتقالی احتمالی آنها پرداخته و در خصوص چگونگی راه‌یافتن آنها به منطقه کوباچه، نظریاتی نظیر معاوضه کالا به کالا، سرعت کاروان‌های روس و انتقال مجموعه سفال‌ها از مکان دیگری به کوباچه را مطرح کرده است. میسن و گلمبک با نمونه‌برداری از سفالینه‌های موجود در موزه‌ها و هم‌چنین سفالینه‌های تولیدشده در مراکز سفالگری مناطق مختلف ایران، مطالعات خود را بر سفال‌های صفوی آغاز کردند. بخشی از این مطالعات در رساله فیروز مهجور نیز منعکس شده است. در کتاب «Tamerlane's Tableware» تألیف گلمبک و همکاران (۱۹۹۶)، نتایج مطالعات آزمایشگاهی انجام‌شده بر سفالینه‌های متعلق به نیشابور، مشهد، سمرقند

و تبریز ارائه شده که نشان‌دهنده احتمال تولید سفال کوباچه در این مناطق است. به‌نظر می‌رسد اغلب ظروف نوع متقدم با پتروگرافی نیشابور و مشهد، در ایران و ظروف تولیدشده در کارگاه‌های تبریز، در کوباچه یافت شده‌اند. متأسفانه این کتاب به سفال کوباچه نوع متقدم که اغلب در محدوده زمانی عصر تیموری تولید شده‌اند، پرداخته و به منطقه اصفهان و کوباچه نوع متأخر اشاره نکرده است. میسن و گلمبک در مقاله «پتروگرافی سفالینه‌های صفوی» (۲۰۰۳) تنها در چند سطر به مراکز ساخت احتمالی سفال کوباچه از جمله شهر اصفهان اشاره کرده‌اند. هم‌چنین گلمبک (۲۰۱۳) در بخشی از کتاب «سفال ایرانی در قرن‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی» تحت عنوان «مسأله کوباچه در کارگاه‌های اصفهان» با تکیه بر شواهد موجود از سفالینه‌های آبی و سفید و کوباچه، روش سبک‌شناسی هنری و کتیبه برخی از سفالینه‌ها، توانسته دلایل قابل توجهی بر تأیید منطقه اصفهان ارائه دهد، با این حال در نتیجه‌گیری نهایی، مسأله را به‌طور قطع مطرح نکرده است. اگر چه کاشی‌های کوباچه حمام وزیر، سال‌ها است در گرم‌خانه این حمام جای گرفته است، اما تا کنون پژوهش مستقلی در این خصوص انجام نشده است. قدیمی‌ترین مطلبی که به وجود کاشی با نقوش مینیاتورگونه در حمام وزیر اشاره می‌کند، در کتاب "بناهای عام المنفعه" تألیف ملازاده و محمودی (۱۳۷۹) است. در این منبع، هیچ‌گونه اشاره‌ای به کوباچه‌بودن یا توصیف و شرح این کاشی‌ها نشده است. در سایر منابع مربوط به حمام‌ها نیز این عدم توجه تکرار شده است. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد منصوری (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی و مطالعه تکنیک ساخت و تزئین کاشی‌کاری در حمام‌های تاریخی شهر اصفهان از آغاز عصر صفویه تا اواخر دوره قاجار»، شرحی از کاشی‌های حمام وزیر به‌عنوان کاشی کوباچه ارائه شده است. در مقاله «سیر تحول نقوش انسانی در کاشی‌کاری حمام‌های اصفهان...» تألیف منصوری و حسینی (۱۳۹۵)، به ارتباط نگارگری مکتب اصفهان و نقوش منعکس‌شده بر کاشی‌های حمام‌های اصفهان پرداخته شده است. در این مقاله، کاشی‌های حمام وزیر به‌عنوان کاشی‌های تولیدشده در عصر صفوی در جریان بررسی مطرح شده‌اند، اما به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. در پژوهش پیش رو، ضمن مطالعه و بررسی کاشی‌های یافت‌شده در حمام وزیر، کوشش شده با مطالعه آنها به‌عنوان شاهی جدید که تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته و گردآوری نظریات مطرح‌شده و پراکنده در منابع، احتمال مرکزیت منطقه اصفهان برای تولید سفال کوباچه مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق

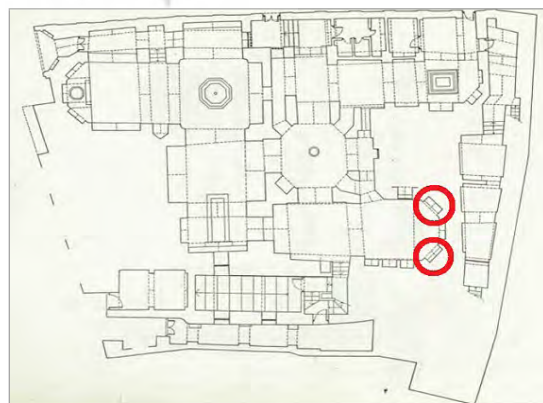
با توجه به هدف مقاله، این پژوهش بر مطالعه نقوش و مضامین کاشی‌های حمام وزیر متمرکز شده و از پرداختن به اطلاعات مرتبط با فناوری ساخت سفالینه‌های کوباجه پرهیز شده است. محدودیت‌های موجود در خصوص مطالعات آزمایشگاهی، سبب شده پژوهش با استناد بر نتایج مطالعات آزمایشگاهی سایر محققان و مطالعات سبک هنری انجام شود. بررسی داده‌ها با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، همراه با مطالعه معیارهای سبک هنری نظیر؛ شیوه طراحی نقوش، رنگ‌بندی و مضمون صورت گرفته است. جامعه آماری مطالعه تطبیقی، شامل ۱۳۵ سفالینه کوباجه است که ۶۷ عدد از نوع کاشی‌های کوباجه بوده‌اند؛ بنابراین مطالعات با توجه به همه نمونه‌ها به‌ویژه نوع رنگارنگ و با تأکید بر کاشی‌های کوباجه صورت گرفته است. روند انجام پژوهش شامل؛ بازدید میدانی از کاشی‌های حمام وزیر شهر اصفهان و تهیه تصاویر خطی آنها با کمک نرم‌افزار راینو برای مشخص شدن تمامی نقوش کاشی‌ها، گردآوری مطالعات مرتبط از میان کتب، مقالات، موزه‌های مطرح و سپس انجام مقایسه تطبیقی است. در بخش مقایسه تطبیقی، مواردی که بیانگر نقاط تشابه میان کاشی‌های حمام وزیر و سایر سفالینه‌های کوباجه است، به‌اختصار برشمرده شده است. موارد مطالعه‌شده شامل مضامین نقوش، بررسی شیوه طراحی مانند روانی خطوط، مطالعه رنگ‌های به‌کار رفته و مقایسه موتیف‌های خاصی نظیر نقوش فلسی شکل، طرح‌های راه راه و... می‌شود. تمامی اعضای جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته‌اند و جهت رعایت اختصار، نتایج در جدولی ارائه شده است. نتیجه مطالعات در راستای مشخص نمودن اصفهان به‌عنوان یک مرکز تولیدی عمده در تولید سفال و کاشی‌های کوباجه مطرح گردیده است.

کاشی‌های کوباجه در حمام وزیر

حمام وزیر در محله تاریخی دردمشت شهر اصفهان واقع گردیده و به‌موجب سنگ‌نوشته موجود در حمام، توسط یکی از وزرای شاه عباس دوم صفوی (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ه.ق.) ساخته شده است. این حمام در جریان طرح سامان‌دهی محله جماله، در سال ۱۳۷۲ ه.ش. تعمیر و با شماره ۱۷۵۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است (خواجه‌ویی، ۱۳۷۵) (تصویر ۱). ازاره بنا در گذشته به‌وسیله کاشی‌های چندضلعی با رنگ‌های سیاه، سفید، آبی فیروزه‌ای و سبز عایق‌بندی بوده است (تصویر ۲). در انتهای بخش گرم‌خانه، دو سکوی کوچک در داخل دیوار تعبیه شده است. ازاره این دو سکو، توسط تعدادی کاشی منقش زینت یافته است. قرار گرفتن در محیط مرطوب حمام، گذشت زمان و تخریب‌های ناشی از دخالت انسانی^۲، به کاشی‌های مورد بحث آسیب فراوانی وارد کرده و تعداد زیادی از آنها ناپدید شده‌اند (تصاویر ۳ و ۴). در طاقچه اول، بقایای ۱۳ عدد کاشی منقش با ابعاد ۸/۱۵×۸/۱۵ سانتی‌متر موجود است (جدول ۱). هر کدام از کاشی‌های منقوش، دارای طرحی مستقل از بقیه است. ترسیم نیم‌تنه تعدادی اشراف‌زاده در میان قاب‌های دالبری شکل با شاخه‌های گل معلق در پس‌زمینه، موضوع اصلی این نقوش هستند.^۴ طراحی چهره‌ها، لباس‌ها و اجزای پس‌زمینه، به‌شکل خطوط سریع، انتزاعی و با سادگی اجرا شده‌اند و در رنگ‌آمیزی از رنگ‌های محدود شامل آبی لاجوردی، سبز، قرمز مایل به قهوه‌ای و سفید استفاده شده است. حالت نیم‌تنه و سه‌رخ انسان‌ها و ترسیم گردن‌بندهای مروارید، موهای موج‌دار، یقه‌های باز و آرایش موها به‌سبک اروپایی و نقوش گیاهی انتزاعی به‌رنگ‌های لاجوردی و قرمز، برخی از ویژگی‌های قابل توجه در این کاشی‌ها هستند. بر روی ۹



تصویر ۲. محل قرارگیری کاشی‌های کوباجه در گرم‌خانه حمام وزیر (نگارندگان)



تصویر ۱. پلان حمام که محل قرارگیری کاشی‌ها در آن مشخص شده است (خواجه‌ویی، ۱۳۷۵).

کاشی‌های حمام وزیر و سایر سفالینه‌های کوباچه، مستلزم انجام مطالعات فن‌شناختی و بررسی مواد و ساختار این دو دسته است.

تشابهات فراوان میان نقوش کاشی‌های حمام وزیر و سفالینه‌های کوباچه، بیانگر تعلق کاشی‌های حمام وزیر به این‌گونه سفال است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: ترسیم نقوش انسانی به‌شکل نیم‌تنه داخل قاب‌های دالبر، ستاره‌شکل و چندضلعی، استفاده از نقش مبهم مشابه سلیمی، گل شاه عباسی و یک برگ در حاشیه کاشی‌ها، مشابهت در نحوه ترسیم و طراحی نقوش انسانی، قرارگیری بدن‌ها به‌حالت سرخ یا نیم‌رخ، چهره‌های انتزاعی مشابه، آرایش موها با فرم موج‌دار به‌ویژه در کنار صورت، ترسیم چهره‌ها اغلب در حالتی بشاش، متبسم و در حال گشت‌وگذار و خوش‌گذرانی در میان شاخه‌های گل یا در حال نوازندگی، پراکنده‌بودن نقوش گیاهی در پس‌زمینه که گاهی به‌شیوه معلق در فضا ترسیم شده‌اند، ترسیم پوشش‌های مشابه برای اغلب افراد متناسب با پوشش‌های عصر صفوی شامل دستارهای الوان و عمامه برای مردان، کلاه‌های نوک‌تیز با روسری‌های بلند برای زنان، گردن‌بند مروارید، لباس با نقش فلسی و راه‌راه، ترسیم نقش پرندگان به‌ویژه مرغابی

قطعه از کاشی‌های طاقچه اول، نقوش انسانی، بر روی ۳ قطعه از کاشی‌ها نقوش مبهمی از پرندگان و بر روی ۳ قطعه دیگر، نقوش گیاهی به‌شکل شاخه‌های درخت به‌چشم می‌خورد.

۱۲ عدد کاشی منقش با همان ابعاد در طاقچه دوم باقی مانده‌اند (جدول ۲). نقوش در کاشی‌های طاقچه دوم، طراحی متفاوتی نسبت به کاشی‌های طاقچه اول دارند و از قاب هندسی چندضلعی و ستاره‌شکل برای آنها استفاده شده است. موضوع، نقوش انسانی با چهره شاد و متبسم است که میوه، شاخه گل و آلات موسیقی مانند دایره‌زنگی در دست دارند. کاربرد رنگ‌های قرمزقهوه‌ای، آبی لاجوردی و سفید و ترسیم نقوش فلسی، موهای فردار، لباس‌های راه‌راه، کلاه‌ها و پوشش خاص عصر صفوی از نکات قابل توجه در این کاشی‌ها است.

در فضای خالی بین قاب‌های دالبری، طرحی ترسیم شده که به‌علت آسیب‌های واردشده، شناسایی کامل طرح آن دشوار است. بنا بر آن چه از بقایای طرح قابل تشخیص است، دو طرح احتمالی از این حاشیه‌های شبه سلیمی ارائه شده است. در حاشیه کاشی با قاب ستاره، از گل شاه عباسی و در قاب چندضلعی، از طرح برگ برای پرکردن فضای خالی استفاده شده است (جدول ۳).

مطالعه تطبیقی سفالینه کوباچه و کاشی‌های حمام وزیر

سفالینه‌های کوباچه دارای ساختار خیلی نرم، سفیدرنگ و خلل و فرج‌دار هستند که لایه نازکی از لعاب شفاف و مستعد ترک خوردگی روی آن را پوشانده است (Lane, 1971: 78). در مقایسه با سفالینه هفت‌رنگ، شیوه طراحی خطوط در کوباچه آزادانه‌تر است (پورتر، ۱۳۸۱: ۸۱). خطوط دورگیری نقوش، اغلب به‌رنگ‌های سیاه و بنفش اجرا شده‌اند (peck, 1980: 64). به‌نظر می‌رسد نقوش مستقیماً بر روی خمیر بدنه ترسیم شده و سپس لعاب‌دهی شده‌اند (ابراهیمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۰). به‌سبب استفاده از لایه نازک لعاب، پخش رنگ و امکان شره‌کردن لعاب در این سفالینه‌ها کمتر است. نصب کاشی‌های کوباچه در گرم‌خانه حمام وزیر، سبب آسیب فراوان به آنها شده و تعداد زیادی از آنها تخریب و ناپدید شده‌اند. بدنه کاشی‌های به‌جای مانده دچار خوردگی شده و لعاب آنها ترک خورده، بخش‌هایی از نقوش و لعاب از بین رفته‌اند. اگر چه امکان پژوهش‌های آزمایشگاهی با توجه به محدودیت‌های موجود ممکن نیست، اما از نقطه‌نظر تکنیکی می‌توان به بدنه خمیر سنگی و استفاده از شیوه نقاشی زیر لعاب برای کاشی‌های حمام وزیر اشاره نمود (تصاویر ۵ و ۶). ارائه نظر قطعی در خصوص مشابه‌بودن موارد تکنیکی



تصویر ۴. کاشی‌های کوباچه در طاقچه دوم در حمام وزیر (نگارندگان)



تصویر ۳. کاشی‌های کوباچه در طاقچه اول حمام وزیر (نگارندگان)

و لک‌لک، کشیدگی انتهای خطوط و نیمه‌کاره ماندن آنها، ضخامت متغیر و نامنظم خطوط، استفاده از دو خط هلالی برای کشیدن یک طرح دایره‌ای شکل (به‌عنوان مثال، به‌هنگام ترسیم نقوش فلسی شکل)، بی‌دقتی در ترسیم خطوط قاب‌ها، نامنظم بودن محل اتصال خطوط و در هم رفتگی آنها، کاربرد رنگ‌های آبی لاجوردی، آبی فیروزه‌ای، سبز، بنفش تیره، قرمز مایل به قهوه‌ای، اخراپی، قرمز آجری و زیتونی مایل به سیاه‌رنگ بر زمینه سفید یا کرم‌رنگ. بسیاری از نمونه‌های کوباجه به‌طور کلی به ایران و برخی دیگر به اصفهان، تبریز و سایر نقاط ایران منسوب شده‌اند. هم‌چنین در برخی منابع از کاربرد نام تبریز پرهیز شده و با ذکر عبارت «شمال غرب ایران»، محدوده وسیع‌تری از این منطقه به‌عنوان محل تولید سفالینه‌های کوباجه مطرح شده است. در جدول شماره ۴، می‌توان برخی نتایج مقایسه نقوش سفالینه‌های کوباجه را بر اساس اطلاعات موجود در موزه‌ها مشاهده نمود. اعداد نوشته‌شده در جدول، نشان‌دهنده فراوانی آن ویژگی در هر گروه است و در صورتی که نمونه مشابه موجود نبوده، کلمه «هیچ» ثبت شده است. با توجه به میزان اهمیت نقوش انسانی در سفالینه‌های کوباجه و در جهت تکمیل این جدول، در جدول شماره ۵ نیز، برخی از نتایج این مقایسه ارائه شده‌اند.

اصفهان یکی از مراکز احتمالی ساخت سفالینه کوباجه احتمال وجود مراکز سفالگری در ایران مرکزی و آزمایش‌های بدنه و سنگ‌نگاری

ابهامات موجود در خصوص ویژگی‌های سفالینه کوباجه به‌ویژه نوع نقوش و ساختار بدنه، سبب شد محققان پژوهش‌های خود را به‌سمت مطرح کردن مراکز تولید دیگری به‌جز تبریز متمایل سازند. از دیدگاه مطالعات سبک هنری، پذیرفتن تنها

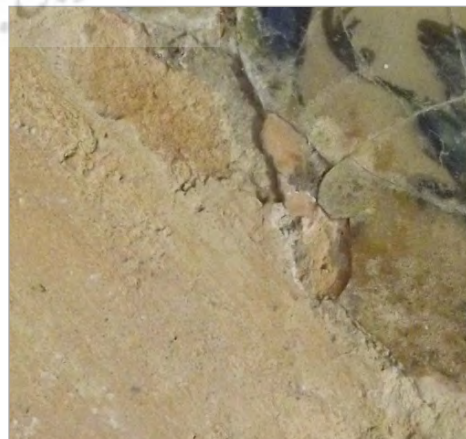
یک مرکز تولید و آن هم شهر تبریز برای همه سفالینه‌های کوباجه، قابل توجیه نیست. شواهد پتروگرافی نیز نشان داده ساخت سفال با بدنه خمیر سنگی در ناحیه تبریز همواره مشکل‌ساز بوده است؛ چرا که تبریز، منبع مناسبی جهت تأمین مواد تشکیل‌دهنده یک بدنه خمیر سنگی خوب را ندارد و نشان‌دهنده عدم توانایی منطقه تبریز برای تأمین نیازهای این‌چنینی سفالگران است (Golombek, 2013: 170). پیش از این پوپ به وجود ظروف مشابه کوباجه، در قمشه و قهرود اشاره کرده و این دو مرکز را از مراکز محلی ساخت سفال‌های مرغوب صفوی از جمله سفال‌های منقوش زیرلغابی در منطقه اصفهان دانسته بود (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۸۸۱ و ۱۸۸۲). شواهدی نظیر یافته‌های پوپ، سبب توجه محققان به منطقه اصفهان گردید. مطالعات انجام‌شده بر روی سفال‌های قمشه نشان داد که این ناحیه دارای مناسب‌ترین نوع خاک برای ساخت ظروف با بدنه خمیر سنگی است (Wulff, 1966: 165). از سوی دیگر، نتایج آزمایشات میسن بر سفال‌های کوباجه منسوب به اصفهان با نقوشی به‌سبک رضا عباسی و نمونه تولیدشده در قمشه، بیانگر تشابه قابل توجه این دو دسته است. با توجه به این شواهد، گر چه به‌طور قطع نمی‌توان گفت این سفال‌ها ساخت خود شهر اصفهان هستند یا مراکز محلی مانند قمشه، اما می‌توان منطقه اصفهان را به‌عنوان یک مرکز اصلی ساخت ظروف کوباجه پذیرفت (Mason et al, 2003: 259-261).

مهاجرت هنرمندان

یکی از مهم‌ترین دلایل انتقال فن ساخت سفال کوباجه و پراکندگی مراکز ساخت آن، مهاجرت هنرمندان سفالگر در جریان انتقال پایتخت صفویان از تبریز به قزوین و سپس















تصویر ۶. لعاب و دورگیری نقوش کاشی‌های حمام وزیر (نگارندگان)



تصویر ۵. بدنه گل سنگی کاشی‌های حمام وزیر (نگارندگان)

کاشی‌های حمام وزیر در طاقچه اول











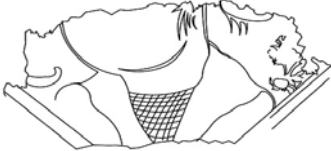
تصویر			
طرح			
تصویر			
طرح			
تصویر			

ادامه جدول ۱- کاشی‌های کوبیاچه موجود در طاقچه اول در حمام وزیر

کاشی‌های حمام وزیر در طاقچه اول		
		<p>طرح</p>
		<p>تصویر</p>
		<p>طرح</p>
		<p>تصویر</p>
<p>به دلیل آسیب‌های موجود، تشخیص دقیق طرح دشوار است. بخشی از بدن چند پرنده (احتمالاً چنگال و گردن پرنده) تصویر شده است.</p>		

(نگارندگان)

کاشی‌های به‌جای مانده در طاقچه دوم

تصویر			
طرح			
تصویر			
طرح			
تصویر			
طرح			

(نگارندگان)

جدول ۳- نقوش به کار رفته در حاشیه‌ها و طرح آنها

طرح تهیه شده از آن		موتیف به کار رفته در حاشیه کاشی	محل استفاده شده
			کاشی با قاب دالبر شکل
			کاشی با قاب ستاره شکل
			کاشی با قاب چندضلعی

(نگارندگان)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جدول ۴. جدول مقایسه ویژگی‌ها در کاشی‌های حمام وزیر و سفالینه‌های کوباجه

سایر	تبریز	منطقه شمال غرب	کوباجه منسوب به اصفهان	حمام وزیر	ویژگی بررسی شده	
۳۴	۱	۷	۲۶	۲۵	کاشی	تعداد نمونه بررسی شده
۳۷	۱۸	۳	۹	هیچ	ظرف	
۱۷ مربع ۴ چندضلعی	۱ مربع	۱ چندضلعی ۱ دایره	۵ مربع ۳ چندضلعی	مربع	شکل کاشی	
۱۹	هیچ	۵	۲	۸	دالبری	قاب بندی
هیچ	هیچ	۱	۴	۱	چندضلعی	
۲	هیچ	هیچ	۲	۶	ستاره‌ای	

ادامه جدول ۴. جدول مقایسه ویژگی‌ها در کاشی‌های حمام وزیر و سفالینه‌های کوباچه

ویژگی بررسی شده	حمام وزیر	کوباچه منسوب به اصفهان	منطقه شمال غرب	تبریز	سایر	نقش حاشیه		
						کاشی	ظروف	
مضمون شاخص سفالینه‌ها	نقوش انسانی	۲ طرف و ۸ کاشی	۲ طرف و ۷ کاشی	۱ کاشی و ۱ ظرف	۹ ظرف و ۲۶ کاشی	گل‌های ختایی	کاشی	
	مناظر	۲	هیچ	۵ ظرف	۱۱ ظرف		ظروف	
	شاخه گل	هیچ	۲ طرف و ۱ کاشی	۱ ظرف	۵ ظرف		۵ ظرف	گل‌های ختایی، نقش فلسی، گل‌های دیگر
رنگ‌های غالب	کاشی	آبی و قرمز قهوه‌ای	سفید و آبی	سفید و خاکستری	آبی، سفید، اخراپی و قرمز قهوه‌ای	۲۲	سایر	
	ظروف	-----	آبی لاجوردی	آبی، سفید و سبز	قرمز قهوه‌ای و آبی		نامشخص	
	ظروف	۲	۱ ظرف	۳ ظرف	۳ ظرف		۲ تصویر	
نوع نقوش به کار رفته	فلسفی	۲	۱ ظرف	۳ ظرف	۳ ظرف	۲۲	انسانی	
		۲	۲ ظرف و ۴ کاشی	هیچ	۱۱ مورد			
	هدیسی	۲	۲ ظرف و ۴ کاشی	۱ کاشی	هیچ	۳۷ مورد دارای نقوش انتزاعی و ۲۰ مورد دارای نقوش ختایی و یک مورد با نقش نسبتاً واقع‌گرا.	۲۲	گیاهی
		۳ مورد	۳ مورد	هیچ	۳ پرند و ۱ طوطی و ۱ بلبل			
	سایر	هیچ	۱ بز و ۱ شیر و ۱ آهو	۱ اسب	۱ هارپی	در برخی از نمونه‌ها، نقوش به شکل ترکیبی به کار رفته‌اند.	۲۲	انسانی
		۲	۲ ظرف و ۸ کاشی	۲ ظرف و ۷ کاشی	۱ کاشی و ۱ ظرف	۶ مورد نقش انتزاعی و ۵ مورد نقش ختایی و ۲ مورد نقوش گیاهی نسبتاً واقع‌گرا		
	۱۲ مورد دارای نقوش انتزاعی و ۴ مورد نقش ختایی در تعداد کمی از نمونه‌ها، نقوش انتزاعی و ختایی به شکل ترکیبی به کار رفته‌اند.	۸ مورد دارای نقوش انتزاعی و ۱ مورد دارای نقوش ختایی	۶ مورد نقش انتزاعی و ۵ مورد نقش ختایی و ۲ مورد نقوش گیاهی نسبتاً واقع‌گرا	۳۷ مورد دارای نقوش انتزاعی و ۲۰ مورد دارای نقوش ختایی و یک مورد با نقش نسبتاً واقع‌گرا. در برخی از نمونه‌ها، نقوش به شکل ترکیبی به کار رفته‌اند.				

(نگارندگان)



جدول ۵. جدول مقایسه ویژگی‌های نقوش انسانی در کاشی‌های حمام وزیر و سفالینه‌های کوباجه

ویژگی بررسی شده	حمام وزیر	کوباجه منسوب به اصفهان	منطقه شمال غرب	تبریز	سایر
جزئیات طراحی بدن	در اغلب موارد بدن به شکل نیم‌تنه با حالت سهرخ. در چند مورد استثنا، ضخامت خطوط بیشتر و پررنگ‌تر است، ولی به‌طور کلی در اغلب موارد خطوط با حرکات سریع، روان و متغیر در ضخامت انجام شده است.				
	جهت نگاه	جهت نگاه کردن، ترتیب خاصی ندارد.	اغلب به راست می‌نگرند	اغلب به راست نگاه به سمت راست	جهت نگاه کردن، ترتیب خاصی ندارد.
جزئیات طراحی اجزای سر	چهره	بینی بلند، لب کوچک و چشمان کشیده	اجزای چهره مشخص بدون در هم رفتگی خطوط، با خطوط روان و اغلب نازک، اگر چه اغلب مردان با ابروهای پیوسته ترسیم شده‌اند، مردانی با ابروهای جدا از هم ترسیم شده‌اند. همه انسان‌ها با چشمان کشیده که اغلب در گوشه چشم نوک تیز شده است ترسیم شده‌اند، بینی بلند و لب‌های خطی. تفاوت قابل ملاحظه در هیچ‌یک دیده نمی‌شود.		
	موها	موهای فردار کنار صورت	موهای فردار کنار صورت، موی کوتاه روی پیشانی، موی بلند که از شانه‌ها به پایین آمده‌اند.	موهای فردار کنار صورت، موی بلند صاف که از شانه‌ها به پایین آمده‌اند.	موهای فردار کنار صورت، موی کوتاه روی پیشانی، موی بلند که از شانه‌ها به پایین آمده‌اند.
پوشش سر	زنان	روسی بلند شبیه شئل و سربند نامشخص	روسی که در پشت سر گره خورده، روسی تاشده روی شانه، شئل با برآمدگی روی سر، کلاه	هیچ	روسی که در پشت سر گره خورده به تعداد فراوان، روسی تاشده روی شانه
	مردان	کلاه فرنگی و چند کلاه نامشخص شبیه کلاه نمدی	دستار، کلاه با بافت فردار، یک نفر بدون پوشش سر	دستار	دستار، کلاه تیموری و کلاه چینی لبه‌دار
طرح‌های روی لباس	نقطه	هیچ	۱ طرف و ۱ کاشی	هیچ مورد	یک کاشی
	مربع	هیچ	۱ طرف	هیچ	۸
	گل‌دار	هیچ	۲ کاشی	هیچ	۱ طرف و ۷ کاشی
	بدون طرح	۱۱	۱ طرف و ۳ کاشی	۲ طرف و ۲ کاشی	۱ کاشی
	فلسی	۲	هیچ	۵ کاشی	هیچ
	راه راه	۲	۲ کاشی	هیچ	هیچ
	میوه	۱	۱ طرف	هیچ	۱ طرف
	گل ۵ پر	۱	۱ طرف و ۲ کاشی	هیچ	هیچ
	سایر گل‌ها	۵	هیچ	هیچ	۶ کاشی و ۱ طرف
	پیاله		۴ کاشی	هیچ	۳ کاشی و ۱ طرف
	سایر	۱ دایره زنگی			۱ نقش جام

(نگارندگان)

عباسی در محدوده زمانی ۱۰۲۸ تا ۱۰۴۴ ه.ق. به تصویر کشیده شده‌اند. معین، هنرمند نگارگر عصر صفوی و شاگرد رضا در محدوده زمانی ۱۰۴۷ تا ۱۱۱۹ ه.ق. فعالیت می‌کرد. محمد شفیق عباسی، افضل تونی، حبیب‌الله مشهدی، ملک‌حسین اصفهانی، محمد یوسف الحسینی، محمدقاسم و محمدعلی، همه به سبک رضا عباسی کار می‌کرده‌اند (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۲۱۵۷-۲۱۴۹). باید به این نکته توجه کرد که در اواخر قرن یازدهم هجری قمری، نگارگران به جز اشراف برای طالبان هنر خارج از دربار نیز فعالیت می‌کردند (کنبای، ب ۱۳۸۷: ۱۱۵). این امر، سبب رواج شیوه هنری نگارگری در دیگر زمینه‌ها نظیر سفالگری گشت.

قراردادن پیکره انسان به‌عنوان رکن اصلی در ترکیب‌بندی نگاره‌ها (تحویلیان، ۱۳۸۷: ۳۱)، تک‌چهره‌نگاری به‌ویژه از جوانان فاخر با کلاه‌های فرنگی (کنبای، ۱۳۸۷: ۱۰۸)، بزرگ‌کشیدن پیکره‌ها و محدود کردن تصویر به یک یا چند پیکره، استفاده از رنگ‌های محدود و عدم استفاده از رنگ‌های ملون خصوصاً در نقاشی تک‌پیکره‌ها (خواجه احمد عطاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸ و ۸۹)، جلب کردن توجه بیننده به قسمت سر، پوشش سر و آرایش موها با استفاده از حرکت‌های روان و آزاد قلم (محبی، ۱۳۹۰: ۵۸)، استفاده از چهره‌های آرمانی شامل جوانان زیبارو رایج در سنت نقاشی اصفهان (همان: ۶۰)، ترسیم سربند برای بانوان و دستارهای الوان و راه راه برای مردان و کاربرد نقوش روان و آزاد در پیرامون آنها (مهجور، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۴) از جمله خصوصیات هستند که به نظر می‌رسد تحت تأثیر نگارگری مکتب اصفهان، به نقوش سفالینه‌های کوباجه راه یافته‌اند. ترسیم جوانان در طبیعت و پیکره‌هایی در فضای نامعین همراه با انتشار شاخ و برگ‌های معلق در وسط و بالای زمین توسط محمدعلی، ترسیم درختان با ساقه‌های نازک و ظریف در آثار محمدقاسم و شیوه طراحی آزاد و کیفیت خطوط در آثار معین (کنبای، ب ۱۳۸۷: ۱۰۸-۱۰۹ و ۱۱۲) از دیگر خصوصیات پدیدار شده بر سفالینه‌های کوباجه هستند.

کاشی‌های حمام وزیر شهر اصفهان

حجم عظیم ساخت‌وسازهای معماری صفوی، نیاز به کارگاه‌های تولید کاشی در نزدیکی محل جهت نظارت و صرفه‌جویی در هزینه‌ها را ایجاب می‌نمود. از آنجایی که به کاربرد کاشی‌های کوباجه در بناهای شهر اصفهان در لابه‌لای سفرنامه‌ها اشاره شده است (پورتر، ۱۳۸۱: ۷۷)، وجود کاشی‌های کوباجه در حمام وزیر، در شناخت سفال و کاشی‌های کوباجه تولید اصفهان حائز اهمیت است. حمام وزیر در دوره شاه

اصفهان بیان شده است (مهجور، ۱۳۸۸: ۱۴۹). شهر تبریز و منطقه آذربایجان در سال‌های ۹۴۱-۹۵۵-۹۹۳ هجری قمری به‌اشغال دولت عثمانی درآمد (بی‌نام، ۱۳۸۰: ۵۸-۵۹ و ۷۴). تصرف مکرر تبریز از سوی ترکان، سبب شد شاه طهماسب اول، پایتخت را به قزوین منتقل کند؛ به‌دنبال این امر، فعالیت تبریز به‌عنوان یک مرکز هنری متوقف شد. هنرمندان و صنعتگران به مراکز دیگر نقل مکان کردند و در نهایت به‌دنبال استقرار پایتخت در اصفهان توسط شاه عباس اول، در حدود سال ۱۵۹۰ میلادی، گرد هم آمدند (Golombek, 2013: 170). بنابراین با آغاز سلطنت شاه عباس اول، ساخت سفالینه‌های کوباجه در شهر تبریز تنزل یافت (کنبای، الف ۱۳۸۷: ۱۱۳) و مهاجرت سفالگران، رونق‌یافتن شیوه هنری عباسی، گسترش سبک اصفهانی و استقبال مردم، موجب شد تا تولید و توزیع سفالینه‌های کوباجه، به‌ویژه گونه رنگارنگ، در مناطقی مانند قزوین و اصفهان گسترش یابد (مهجور، ۱۳۸۸: ۱۴۹). کاوش‌های انجام‌شده در محوطه‌های تاریخی مانند ربع رشیدی در تبریز، امامزاده بنیس در شبستر، قلعه الموت و بررسی‌های انجام‌شده در ری و ورامین (همان: ۱۴۵) و کشف نمونه‌های متعدد سفالینه‌های کوباجه در مکان‌های نزدیک به مسیر تجاری تبریز-قزوین-اصفهان، نشان‌دهنده یک مسیر مشخص برای انتقال این سفالینه‌ها است.

ویژگی‌های سبکی سفال کوباجه و پیوند نقوش آن با نگارگری سبک اصفهان

متناسب با تغییرات رخ‌داده در نگارگری از اواخر دوره تیموری تا اواخر دوره صفوی، نقوش ترسیم‌شده بر روی سفالینه‌های کوباجه نیز دچار تغییرات تدریجی شد؛ چنان‌که پیوند هنری سفال کوباجه با نگارگری مکتب تبریز در بعضی نقوش به‌کار رفته در این ظروف شامل توجه به ریزه‌کاری‌های روزمره، نقوش پرندگان و حیوانات، پیکره‌های انسانی و نقش‌مایه‌های گیاهی قابل‌پیگیری است (محمدی‌فر و بلمکی، ۱۳۸۷: ۹۶). با انتقال پایتخت و تحت تأثیر مکتب نگارگری اصفهان، نقوش جدیدی نظیر نقش درویش، شاهزادگان و اشراف در لباس‌های فاخر، با عمامه بزرگ و پر گل بر روی سفالینه‌ها ظاهر شدند (همان: ۱۰۰). بنابراین با گذشت زمان، تأثیر نگارگری بر این سفالینه‌ها از سبک تبریز به سبک اصفهان تغییر یافت. پوپ، پک، لین و گلمبک به تأثیر مستقیم سبک نگارگری اصفهان به‌ویژه مکتب رضا عباسی بر سفالینه‌های کوباجه و مخصوصاً نوع رنگارنگ اشاره کرده‌اند (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۱۸۰-161; Lane, 1939: 62-71; Peck, 1980: 62-71; Golombek, 2013: 62-71). قابل‌توجه‌ترین آثار رضا

عباس دوم؛ یعنی یکی از دوره‌های اوج هنر صفوی، احداث شده است. برخی ویژگی‌های کاشی‌های کوباجه طاقچه اول در این حمام قابل توجه هستند؛ چرا که از نظر شیوه طراحی نقوش و رنگ‌بندی، دیدگاهی تازه در خصوص کاشی‌های کوباجه ارائه می‌کنند. رنگ‌بندی عناصر به کار رفته در آن به اندازه سایر نمونه‌ها از تنوع رنگی برخوردار نیست، اما این رنگ‌ها در نهایت کیفیت به کار رفته‌اند. نقوش ترسیم‌شده بر روی این کاشی‌ها از نظر روانی و تناسب، در مقایسه با سایر نمونه‌های موجود، از رسایی بیشتری برخوردار هستند و به نظر می‌رسد نقاش آنها توجه بیشتری به شیوه ترسیم آنها داشته است. در کاشی‌های حمام وزیر دست کم سه نقش پرنده قابل تشخیص است که تنها در سه کاشی کوباجه از یک مجموعه مشخص، نقش پرنده ترسیم شده است؛ اما پرنده‌های حمام وزیر کاملاً واقع‌گرایانه و با رنگ‌های طبیعی‌تر ترسیم شده‌اند. از طرفی شیوه ترسیم نقوش و رنگ‌آمیزی سایر نقوش نیز بسیار پخته‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از اغلب نمونه‌های موجود است. کاشی‌های طاقچه دوم دقیقاً مشابه نمونه‌های نازل‌تر کوباجه هستند. به نظر می‌رسد کاشی‌های طاقچه دوم، تقلیدی از سفالینه‌های موجود در بازار و مشابه سایر نمونه‌های کوباجه بوده است.

شیوه نقاشی کاشی‌های حمام وزیر بیش از سایر نمونه‌های موجود، تحت تأثیر نقوش اروپایی قرار دارند که می‌تواند بیانگر آشنایی نقاشان این کاشی‌ها با ظاهر و پوشش اروپاییان عصر صفوی باشد. در اواخر دهه ۱۰۳۰ ه.ق، هجوم بازدیدکنندگان

اروپایی به دربار اصفهان، باعث افزایش جریانی استوار و یکنواخت در ارتباط با معرفی سبک‌های هنری، رفتار و لباس اروپایی به جامعه ایرانی گردید (کنبای، ب ۱۳۸۷: ۱۰۰). حضور اروپاییان حتی در نگارگری دوران متأخر فعالیت هنری رضا عباسی نیز تأثیر گذاشت و در آثار معین، محمد شفیق، ابوالفضل تونی و دیگر هنرمندان این بازه زمانی، می‌توان این تأثیر را مشاهده نمود. در جریان هنری که در دهه ۱۶۷۰ میلادی به وجود آمد، هنرمندانی مانند محمد زمان و شیخ عباسی، برای ایجاد ابداع و نوآوری، به الهام‌گرفتن از منابع خارجی روی آوردند (کنبای، ب ۱۳۸۷: ۱۱۵). می‌توان به رفت‌وآمد اروپاییان در محافل ایرانی، افزایش آثار هنری وارداتی اروپاییان، وجود نقاشان ارمنی ساکن جلفا و اسکان دائمی تعدادی از نقاشان اروپایی به‌ویژه در دوره شاه عباس دوم در شهر اصفهان اشاره نمود که بر نگارگران ایرانی تأثیر گذاشتند (کریمیان و جایز، ۱۳۸۶: ۷۷). گلمبک به وجود یک تغییر قابل توجه در نقوش کاشی‌های سبک پیکره‌ای در سال ۱۶۶۹ میلادی در کاخ هشت‌بهشت اشاره کرده و احتمال می‌دهد این تغییرات، مدتی قبل از این تاریخ به ظروف پلی کروم راه یافته بوده است (Golombek, 2013: 179). هر دو این منابع به محدوده زمانی احداث حمام وزیر اشاره می‌کنند؛ پس این احتمال وجود دارد که کاشی‌های کوباجه حمام وزیر، هم‌زمان و متأثر از این تغییرات در نقش‌اندازی باشند، لذا تولید سفالینه و کاشی‌های کوباجه در مرکز این تغییرات یعنی اصفهان، امری بسیار محتمل است.

نتیجه‌گیری

شاخص‌های فراوانی در نقوش و مضامین کاشی‌های حمام وزیر مشاهده می‌شود که انتساب آنها به گونه کوباجه را به روشنی بیان می‌کند و می‌توان آنها را در دسته‌های مختلفی مورد مطالعه قرار داد. بخشی از این شاخص‌ها شامل مشابهت‌های موجود در تکنیک و نقوش این سفالینه‌ها می‌شود که می‌توان به بدنه گل‌سنگی و شیوه نقاشی زیرلعباب، استفاده از قاب‌بندی‌های دالبری، ترسیم اشکال اسلیمی در حاشیه، تشابه در طراحی چهره و موها، استفاده از طرح‌های فلس‌مانند، شیوه رنگ‌آمیزی و محوریت موضوع با نقوش انسانی اشاره نمود. گروه دیگر از این شاخص‌ها نظیر شکل بدنه کاشی‌ها، فرم قاب‌بندی چندضلعی و ستاره‌ای‌شکل، اشیایی که در دست افراد ترسیم شده و یا ترسیم نقوش حیوانی، به‌عنوان موضوع اصلی ویژگی‌هایی هستند که رابطه نزدیکی با سفالینه‌های منسوب به منطقه اصفهان دارند. در حالی که گروه سوم این شاخص‌ها، مواردی هم‌چون نقوش فلس‌مانند و ترسیم مناظر و شاخه‌های گل به‌عنوان مضمون اصلی هستند که پیش از این در نمونه‌های منسوب به منطقه اصفهان رایج نبوده و حضور آنها در کاشی‌های حمام وزیر بیانگر تداوم کاربرد برخی ویژگی‌های سایر مناطق در تولیدات منطقه اصفهان است. اثبات رابطه موجود میان کاشی‌های حمام وزیر و سایر سفالینه‌های کوباجه و این مسأله که کاشی‌های حمام وزیر در منطقه اصفهان تولید شده‌اند، بیانگر تولید بخشی از سفالینه‌های کوباجه موجود در موزه‌ها در منطقه اصفهان است. آن‌چه این نتیجه را باورپذیرتر می‌سازد، توجه به تأثیر فرهنگ

و هنر اصفهان در نقوش کاشی‌های حمام وزیر است؛ نه تنها نقوش کاشی‌های حمام وزیر به‌میزان فراوان از مکتب نگارگری اصفهان تأثیر پذیرفته‌اند، بلکه با مطالعه آنها می‌توان دریافت که این نقوش هم‌گام با تغییرات حاصل‌شده در نگارگری اواخر عصر صفوی، دچار تغییرات شده‌اند. تأثیرپذیری از فضای فرهنگی حاکم بر شهر اصفهان در نیمه دوم حکومت صفویان، تبدلات فرهنگی با اروپاییان و تأثیرپذیری از فرهنگ عامه مردم نظیر تفریح در باغ‌های پر گل شهر اصفهان، توجه به جریان‌های مهاجرتی هنرمندان صفوی و تأثیر این امر در نقوش منعکس‌شده بر سفالینه‌های کوباچه و تداوم این روند بر نقوش کاشی‌های حمام وزیر، اشارات سفرنامه‌ها به کاربرد کاشی‌های کوباچه در بناهای شهر اصفهان و تکیه بر مطالعات سنگ‌نگاری و مطالعات سبک هنری صورت‌گرفته توسط محققان هنر اسلامی، همگی حاکی از این امر است که منطقه اصفهان به‌طور قطع یکی از مراکز تولید سفالینه‌های کوباچه به‌ویژه کاشی‌های کوباچه در نیمه دوم حکومت صفویان بوده است. شناسایی کاشی‌های کوباچه در حمام وزیر شهر اصفهان، سوالات جدیدتری پیش روی محققان قرار می‌دهد؛ آیا این کاشی‌ها تولید شهر اصفهان بوده‌اند یا در کارگاه‌های اطراف شهر نظیر قمشه تولید شده‌اند؟ بدون شک مطالعات فن‌شناختی و بررسی مواد و ساختار کاشی‌های حمام وزیر و مقایسه آن با نتایج مطالعات صورت‌گرفته روی سایر سفالینه‌های کوباچه، می‌تواند روشن‌کننده ابهامات به‌جای مانده و طرح نظریات جدید در خصوص سفالینه کوباچه به‌ویژه نوع کاشی کوباچه در هنر سفالگری عصر صفوی باشد. از سوی دیگر، پذیرفتن کاشی‌های حمام وزیر به‌عنوان کوباچه تولید اصفهان و مطالعه مجدد سایر سفالینه‌های کوباچه منسوب به اصفهان، می‌تواند امکان تهیه یک راهنمای نقوش برای شناسایی نقوش منحصر به منطقه اصفهان را فراهم آورد؛ ضمن این‌که این راهنما جهت شناسایی نقوش سایر گونه‌های سفالی منسوب به منطقه اصفهان که در عصر صفوی تولید شده‌اند، نیز مفید خواهد بود.

پی‌نوشت

1. Kubachi
2. سفال‌های ایزنیک، گونه‌ای از سفال‌های اسلامی هستند که توسط سفالگران ترک با استفاده از لعاب‌های رنگی و اغلب به‌شکل بشقاب، دیس، گلدان و کوزه با کاربرد نقوش گیاهی ساخته می‌شدند. این سفال‌ها به سفال‌های دمشق نیز مشهور هستند.
3. یکی از عوامل تخریب، تغییر کاربری حمام به کانون پرورش فکری کودکان بوده که با توجه به عدم آگاهی‌رسانی به کودکان و نوجوانان، زمینه تخریب آنها توسط نوجوانان فراهم شده است.
4. استفاده از موضوعاتی چون انسان‌های در حال گشت‌وگذار و شادی و طرب در میان گل‌ها و درختان شکوفه به‌همراه پرنده‌های در حال پرواز، در فضای حمام، با ایجاد حس شادی، طراوت و تازه‌کردن روح آدمی و کاربری حمام بی‌ارتباط نبوده است. کاشی‌های با این مضمون به‌میزان فراوان در حمام‌ها به‌جا مانده است. این امر، استفاده از چنین کاشی‌هایی در یک حمام درباری را توجیه می‌کند.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی‌نژاد رفسنجانی، زهرا؛ حسین‌آبادی، زهرا و خوب‌بین خوش‌نظر، سید رحیم. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی سفال کوباچه ایران (صفویه) و سفال ایزنیک ترکیه (عثمانی). نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۲۲(۲)، ۶۹-۵۷.
- پوپ، آرتور و آکرمن، فیلیس. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. ترجمه نجف دریابندری، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پورتر، ونیتا. (۱۳۸۱). کاشی‌های اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- تحویلین، حسین. (۱۳۸۷). مکتب نقاشی صفوی اصفهان. چاپ اول، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- خواجه‌ی، علیرضا. (۱۳۷۵). پرونده ثبتی حمام وزیر. اصفهان: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان اصفهان.
- خواجه احمد عطاری، علیرضا؛ آیت‌اللهی، حبیب‌الله؛ شیرازی، علی‌اصغر و قاضی‌زاده، خشایار. (۱۳۹۱). بررسی انسان‌نگاری

- در نقاشی مکتب اصفهان سده دهم و یازدهم هجری قمری. **نشریه مطالعات تطبیقی هنر**، سال دوم (۴)، ۹۲-۸۱.
- کریمیان، حسن و جایز، مژگان. (۱۳۸۶). تحولات ایران در عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری. **نشریه مطالعات هنر اسلامی**، ۴(۷)، ۸۸-۶۵.
 - کنبای، شیلا. (۱۳۸۷). الف. **عصر طلایی هنر ایران**. ترجمه حسن افشار، چاپ اول، تهران: مرکز.
 - ----- (۱۳۸۷). ب. **نقاشی ایرانی**. ترجمه مهدی حسینی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه هنر.
 - محبی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). پیکره انسان در نقاشی صفوی (اصفهان). **نشریه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی**، ۴(۸)، ۷۶-۵۵.
 - محمدی‌فر، یعقوب و بلمکی، بهزاد. (۱۳۸۷). هنر سفالگری در دوره صفویه، بررسی تکنیک و نقش مایه‌های هنری. **نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی**، ۳۵، ۱۰۲-۹۳.
 - ملازاده، کاظم و محمودی، مریم. (۱۳۷۹). **دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی** (۴). چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری.
 - منصوری جزآبادی، جمیله. (۱۳۹۳). **بررسی و مطالعه تکنیک ساخت و تزیین کاشی‌کاری در حمام‌های تاریخی شهر اصفهان از آغاز عصر صفویه تا اواخر دوره قاجار**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی. اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان. منتشر نشده.
 - منصوری جزآبادی، جمیله و حسینی، سید هاشم. (۱۳۹۵). سیر تحول نقوش انسانی در کاشی‌کاری حمام‌های تاریخی شهر اصفهان از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار. **نشریه پژوهش هنر**، سال ششم (۱۲)، ۱۱۹-۱۰۵.
 - مهجور، فیروز. (۱۳۸۸). ایران، خاستگاه سفالینه‌گونه موسوم به کوباجه. **مطالعات باستان‌شناسی**، ۱(۲)، ۱۶۰-۱۴۳.
 - ----- (۱۳۸۷). **بررسی سفالینه منقوش‌گونه کوباجه**. رساله دکتری رشته باستان‌شناسی. تهران، دانشگاه تهران. منتشر نشده.
 - بی‌نام. (۱۳۸۰). **تاریخ ایران: دوره صفویان**. پژوهشی از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: جامی.
- Fehervari, G. (1973). **Islamic pottery, a comprehensive study based on the Barlow collection**. London: Queen square.
 - Golombek, L. (2013). The “kubachi Problem” and the Isfahan workshop. **Persian pottery in the first global age: the sixteenth and seventeenth centuries**. Golombek, L & Mason, R.B & Proctor, P & Reilly, E. (Eds.). London: Brill Academic. 168-181.
 - ----- (1999). The mystery of kubachi wares. **Proceeding of the third European conference of Iranian studies**. Melville, C. (Ed.). Cambridge: Wiesbaden. 407-417.
 - Golombek, L.; Mason, R.B & Bailey, G.A. (1996). **Tamerlane’s tableware: a new approach to the chinoiserie ceramics of fifteenth- and sixteenth-century Iran**. California: Mazda Publishers in association with Royal Ontario Museum.
 - Lane, A. (1971). **Later Islamic Pottery, Persia, Syria, Egypt, Turkey**. London: Faber & Faber.
 - ----- (1939). The So-called “kubachi” Wares of Persia. **The Burlington magazine for connoisseurs**, 75(439), 156-163.
 - Mason, R.B. & Golombek, L. (2003). The petrography of Iranian Safavid ceramics. **Journal of archaeological Science**, 30(2), 251-261.
 - Peck, E. H. (1980). A ‘KUBACHI’ plate and related Islamic ceramics. **Bulletin of the Detroit institute of arts**, 58(2), 62-71.
 - Watson, O. (1988). **Ceramics, Islamic Art in the Keir Collection**. London: Faber & Faber.
 - ----- (2004). **Ceramics from Islamic Lands**. London: Thames & Hudson.
 - Wulff, H. E. (1966). **The Traditional Crafts of Persia**. Cambridge: MIT Press.

Received: 2018/01/03

Accepted: 2018/07/08



Introducing and comparative study of kubachi tiles of Vazir bathhouse in Isfahan

Jamileh Mansouri Jezabadi* Hashem Hosseini**

Mitra Shateri***

Abstract

There are 25 underglaze painted tiles in Vazir Bathhouse of Isfahan that have not been studied and identified yet. These tiles are among the few remaining Kubachi tile samples in their original installation location, which remain untouched from looting. Identifying and introducing the Vazir Bathhouse's tiles are very important to recognize the Kubachi potteries, since the proof of the Kubachi nature of the Vazir Bathhouse's tiles will be effective in reevaluating the Isfahan region as one of the Kubachi pottery production centers. The main objectives of this research are introducing the Kubachi tiles of Vazir Bathhouse, the study of motifs and their content through comparative comparisons, and investigating the probability of their production in Isfahan. The required information in this research is provided through field method and library studies, and the research methodology has been considered to be historical-adaptive with regard to the subject. Since the motifs used on the Kubachi tiles are very diverse and different, a few similar tiles can be found in the museums rarely. Therefore, it is necessary to pay attention to all the motifs such as the motifs of plant, birds, human and also decorative margins, and from the outcome of these studies, the general features of the Kubachi pottery were achieved. The flower stone body of the tiles, the way of their underglaze painting, as well as matching the comparative criteria such as the similarity in the coverage and the face of human motifs, the themes, the composition of the spaces and the sharing of some of the motifs and even the way of painting them, left no doubt that the tiles of Vazir bathhouse are Kubachi. The study of Kubachi potteries and tiles found in Vazir Bathhouse indicates the significant role of Isfahan region in the production of these potteries. Following the artist's migration route, the impact of the Isfahan school of painting and the themes depicted on the Kubachi potteries, the studies of the artistic style and technical studies such as petrography indicate the importance of Isfahan region in production of Kubachi potteries, especially colorful types.

Keywords: Safavid, Isfahan, Vazir bathhouse, Kubachi tiles, designs.

* MA in Archaeology, Art University of Isfahan, Iran.

** Associate Professor, faculty of conservation, Art University of Isfahan, Iran.

*** Assistant professor, Faculty of Humanities, Shahrekord University, Iran.